

«حق بر هویت» در رسانه‌های اجتماعی:

بررسی رویکردهای حقوق بشری در ارتباطات آن لاین

بهنوش بصیریان جهرمی*، حسین بصیریان جهرمی**

چکیده

این مقاله به «حق بر هویت» می‌پردازد که از حقوق بنیادین و به رسمیت شناخته شده در اسناد و کنوانسیون‌های حقوق بشری است. از آنجا که، نوع تعاملات انسان‌ها یا به تعبیر بهتر کاربران در فضای آن لاین (برخط)، چارچوب‌ها، ملزومات و سازوکارهای متفاوتی را در حوزه حقوق می‌طلبد، تبیین این فرآیند نوظهور در ارتباطات آن لاین، می‌تواند انسان عصر حاضر را با حقوق و تکالیف خاصی در این حوزه روبه‌رو سازد؛ حقوقی که بعضاً در فرآیند تسریع توسعه و ارتباطات، مغفول می‌ماند و می‌تواند عواقبی سنگین بر حقوق افراد وارد کند. این مقاله، با نگاه تحلیلی-انتقادی و با روش مطالعه اسنادی و کتابخانه‌ای، پیوند رویکردهای حقوق بشری در حوزه «حق بر هویت» را، با تحولات جامعه‌شناسی و ارتباطاتی موجود در حوزه هویت، مورد بررسی قرار می‌دهد. خلا حقوقی موجود در تبیین «حق بر هویت» در فضای ارتباطات آن لاین، می‌تواند با در نظر گرفتن اقدامات جدیدی که از سوی نهادهای حقوقی بین‌المللی صورت پذیرفته، تلفیق شود. در برخی از تلاش‌های اخیر، نظیر «حق بر فراموشی»، کاربران فضای مجازی توانسته‌اند این حق را قابل اجرا و تضمین شده ببینند. البته هم‌پوشانی این حق با سایر حقوق به رسمیت شناخته شده در اسناد حقوق بشری و تعمیم آن به فضای ارتباطی جدید، از گام‌های مثبت در این زمینه است. با این حال، مناسبات ارتباطی در عصر کنونی، وضوح و روشنی بیشتری را در تبیین این حق می‌طلبد که این مقاله ضمن بررسی رویکردهای حقوق بشری در ارتباطات آن لاین، به دنبال تشریح آن است.

واژگان کلیدی: هویت، حق بر هویت، کنوانسیون‌های حقوق بشری، رسانه‌های اجتماعی، ارتباطات آن لاین.

*نویسنده مسئول؛ کارشناس ارشد حقوق بشر (دانشگاه شهید بهشتی)؛ عضو کانون وکلای مرکز،
رایانامه: behnoush.basirian@gmail.com

** دکترای علوم ارتباطات اجتماعی (دانشگاه علامه طباطبایی)؛ مدرس و پژوهشگر علوم ارتباطات
رایانامه: hossein.basirian@gmail.com

مقدمه

«حق بر هویت»^۱ یکی از حقوقی است که در اسناد و کنوانسیون‌های حقوق بشری به رسمیت شناخته شده است. ابعاد گسترده فردی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و قومیتی، حق انسان را بر هویت، دارای مشخصه‌های گوناگونی می‌کند که گستره آن در قالب حق، نیازمند تبیین مصادیق و مفاهیمی است که بتواند از این حق به صورتی جامع حمایت به عمل آورد و از نقض آن در ابعاد مختلف هویتی جلوگیری کند. در گام‌های نخستین حمایت از حقوق بشر، با مفهوم هویت انسانی و اعتبار بخشی به آن روبرو می‌شویم؛ آنجا که یکی از مبانی مهم و اساسی در تدوین حقوق انسانی، برابری و آزادی انسان‌ها در برخورداری از شأن و حقوق برابر تلقی شده، این مفهوم در واژه‌های نخست اعلامیه حقوق بشر نیز به رسمیت شناخته شده است. در مقدمه این اعلامیه و سراسر مفاد آن، از هویت‌های فردی و اجتماعی در ابعاد مختلف آن، حمایت به عمل آمده است. این حمایت، در میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی (۱۹۶۶) با تأکید بر هویت‌های نژادی، مذهبی و قومی و در کنوانسیون حقوق کودک (۱۹۸۹) با تأکید بر لزوم ثبت تاریخ تولد و نامگذاری کودک و بهره‌مندی از تابعیت، قابل مشاهده است. (بصیریان جهرمی، ۱۳۹۳: ۱).

بیان مسئله

بر اساس ملاحظات یاد شده، «حق بر هویت» در فضای ارتباطی آن‌لاین رنگ و بویی تازه به خود گرفته است. تعارضی که میان تعریف هویت، از نقطه نظر سنتی و پسامدرن در بستر فناوری‌های ارتباطاتی جدید مطرح می‌شود، چالش اساسی در این حوزه تلقی می‌شود که موضوع مورد توجه این مقاله است. از آن جا که رویکرد سنت‌مدار در تعریف هویت، به عوامل ایستا، ثابت و منسجم اجتماعی در بستر زمان و مکان اشاره دارد، عده‌ای همین رویکرد را در تعاملات موجود در فضای مجازی و به طور خاص رسانه‌های اجتماعی، مسئله‌ای قابل ملاحظه تلقی کرده‌اند، چراکه در مناسبات جدید ارتباطی، هویت‌ها همواره در حال شدن هستند. در همین حال وجود منابع متنوع هویت‌یابی، باعث ایجاد یک الگوی پیچیده از تعامل شده است (اینگلهارت، ۲۰۰۴ [نقل در] کاستلز، ۱۳۹۳: ۲۵۶). همچنین، هویت آفلاین (برون خط) در برابر هویت آن‌لاین از مشخصه‌های فضای مجازی است که در آن هویت آفلاین در واقع

1. Right to Identity

معادل هویت واقعی و عینی ماست که به وسیله عواملی از قبیل نژاد، طبقه، محل تولد، شغل و... تعیین می‌شود؛ اما در مقابل، هویت آن لاین بسیار انعطاف‌پذیرتر است و منظور از آن هویتی است که افراد از طریق آن، آزاد هستند و خودشان را آن طور که دوست دارند تعریف کنند. بنابراین لزوم پویایی در حوزه حقوق بشر که همواره خود را با مقتضیات اجتماعی همراه می‌داند، انگیزه‌ای را ایجاد کرد تا در پرتو آن به حق بر هویت به عنوان یکی از حقوق اساسی و مورد توجه در حوزه حقوق بشر از منظر تحولات ارتباطی در عصر شکل‌گیری ارتباطات جدید، پرداخته شود.

پرسش‌های پژوهش

- حق بر هویت تا چه اندازه مورد توجه سازمان‌ها و مجامع ملی و بین‌المللی حقوق بشر قرار گرفته است؟
- مصادیق «حق بر هویت»^۱ در رسانه‌های اجتماعی کدام‌اند؟

مفهوم‌شناسی هویت

«هویت»، واژه‌ای عربی و مصدری جعلی است. این کلمه به معنای او (هو) ضمیر غایب مفرد مذکر است که برگرفته از «هو» و «یت» (نشان مصدر جعلی) است؛ یعنی ذات و جلوه خودی که از درون برمی‌آید و معنای این همانی می‌دهد (میرسادو، کاوسی و ابراهیم زاده، ۱۳۸۷: ۷۸). در معنای لغوی به معنای شخصیت، ذات، هستی و وجود است که به «هو» منسوب می‌شود (عمید، ۱۳۷۸: ۱۲۱۲). «هویت در لغت به معنای چیستی و کیستی است و از نیاز انسان به شناختن و شناخته شدن سرچشمه می‌گیرد» (معظم پور، ۱۳۸۰: ۳۵). واژه هویت (identity) از واژه identitas مشتق شده و به دو معنای ظاهراً متناقض به کار می‌رود؛ همسانی و یکنواختی مطلق، تمایز که در برگیرنده ثبات یا تداوم در طول زمان است. گرچه دو معنای نام برده متناقض و متضاد به نظر می‌آید، ولی در اصل به دو جنبه مکمل هویت معطوف هستند؛ به این ترتیب مفهوم هویت به طور همزمان میان افراد یا اشیا دو نسبت محتمل برقرار می‌سازد: از یک طرف، شباهت و از طرف دیگر تفاوت (جنکینز، ۱۳۹۱: ۱۴).

از این‌رو، هویت مجموعه‌ای از معانی است که چگونه بودن را در خصوص نقش‌های

۱. نظیر «حق بر حریم خصوصی» و «حق بر فراموش شدن»

اجتماعی به فرد القا می‌کند (گل محمدی، ۱۳۸۱: ۲۲۲) یا وضعیتی است که به فرد می‌گوید او کیست و مفاهیمی را برای فرد تولید می‌کند که مرجع کیستی و چیستی او را تشکیل می‌دهد (چیت‌ساز قمی، ۱۳۸۳: ۹۱). در تعریفی دیگر به دسته‌های خودی مرتبط است که فرد را به عنوان یک شخص یگانه، براساس تفاوت‌های فردی‌اش، متمایز از دیگر اشخاص درون گروه معرفی می‌کند (دوران و محسنی، ۱۳۸۳: ۱۱۴). از هویت به تعریف بازاندیشانه فرد از خود نیز اطلاق شده است (ساروخانی و رفعت‌جاء، ۱۳۸۳: ۱۳۵). مفهوم هویت بر معانی تشکیل دهنده «خود» به مثابه یک سوژه تمرکز دارد. به خودشناسی، ساختار و محتوا می‌بخشد و «خود» را با نظام‌های اجتماعی پیوند می‌دهد. جنکینز معتقد است: «هویت ریشه در زبان لاتین و دو معنای اصلی دارد. اولین معنای آن مفهوم تشابه مطلق را بیان می‌کند؛ این با آن مشابه است. معنای دوم آن تمایز است که با مرور زمان سازگاری و تداوم را فرض می‌گیرد. به این ترتیب، به مفهوم شباهت به دو زاویه مختلف راه می‌یابد. مفهوم هویت، همزمان میان افراد یا اشیا دو نسبت محتمل برقرار می‌سازد؛ شباهت و تفاوت. هویت داشتن یعنی یگانه بودن، ولی از دو جنبه متفاوت: همانند دیگران بودن در طبقه خود و همانند خود بودن در گذر زمان. جامعه‌شناسان اغلب از دو نوع هویت سخن می‌گویند: هویت اجتماعی و هویت شخصی. این شکل‌های هویت فقط از نظر تحلیلی از هم جدا و متمایز می‌شوند، اما در واقع پیوند تنگاتنگی با یکدیگر دارند» (جنکینز، ۱۳۹۱: ۵).

هویت اجتماعی، به معنای ویژگی‌هایی است که از طرف دیگران به یک فرد نسبت داده می‌شود. این ویژگی‌ها را می‌توان نمادهایی تلقی کرد که نشان می‌دهند هر شخص معینی، اساساً چه کسی است. در عین حال، این ویژگی‌ها شخص مذکور را به افراد دیگری مربوط می‌کند که همین ویژگی‌ها و کیفیات را دارند. همچنین هویت‌های اجتماعی بُعد جمعی دارند. آنها مشخص می‌کنند که افراد چگونه و از چه نظر «شبهه» دیگران هستند. اگر هویت‌های اجتماعی نشان‌دهنده شیوه‌های همسانی افراد با دیگران هستند، هویت شخصی، ما را به عنوان افرادی جدا و مجزا از یکدیگر متمایز می‌کند. هویت شخصی به معنای رشد و تکوین شخصی است که از طریق آن ما معنای یگانه و منحصر به فردی از خویش‌نمان و مناسبت‌مان با جهان پیرامون خود خلق می‌کنیم (گیدنز، ۱۳۸۶: ۴۶).

هویت در شکل خاص و ویژه‌اش، نه در جریان حدیث نفس و تفحص از هستی خود

در انزوا، بلکه از خلال مواجهه با «غیر» در بیرون از هستی ما (فردی و جمعی) سر بر می‌آورد (کچوئیان، ۱۳۸۴: ۶۰).

قالب‌بندی هویت در مفهوم حقوقی

در ماده ۲۴ از میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی آمده است: «۱- هر کودکی بدون هیچ‌گونه تبعیض از حیث نژاد، رنگ، جنس، زبان، مذهب، اصل و منشأ ملی یا اجتماعی، مکنت یا نسب، باید از تدابیر حمایتی که به اقتضای وضع صغیر بودنش از طرف خانواده، جامعه و حکومت کشورش، برقرار است، برخوردار باشد. ۲- هر کودکی باید بلافاصله پس از ولادت به ثبت برسد و دارای نام شود. ۳- هر کودکی حق تحصیل تابعیتی را دارد». در اینجا، از بنیادی‌ترین حق انسانی فرد در به رسمیت شناخته شدن حق هویتی و ظهور آن در صحنه اجتماع حمایت شده است؛ همچنین در ماده ۲۷ این میثاق آمده است: «در کشورهایی که اقلیت‌های نژادی، مذهبی یا قومی وجود دارند، اشخاص متعلق به اقلیت‌های مزبور را نمی‌توان از این حق محروم نمود که مجتمعاً با سایر افراد گروه خودشان از فرهنگ خاص خود متمتع شوند و به آیین خود متدین بوده و بر طبق آن عمل کنند یا به زبان خود تکلم می‌کنند». اگرچه این ماده درصدد به رسمیت شناختن حقوق اقلیت‌هاست؛ اما می‌توان از مفهوم آن به ابعاد هویتی دست یافت که مذهب، نژاد و قومیت نمونه‌هایی از آن است. «به طور کلی حق بر هویت یکی از اساسی‌ترین حقوقی است که به هر فرد انسانی قابلیت برخوردار از تمامی حقوقش را می‌دهد. هویت را در برگیرنده نام خانوادگی، شناسنامه، تاریخ تولد، جنسیت و ملیت هر فرد دانسته‌اند. از رهگذر این جزئیات هر فرد اعم از زن، مرد، کودک، معلول، پناهنده و غیره، حقوق و تکالیف ویژه‌ای را مطابق با وضعیت خود بر عهده می‌گیرد» (humanium.org, 2017: online). در تبیین مفهوم حقوقی هویت، این حق را حقی فردی و شخصی برشمرده‌اند که از بدو تولد و با حضور او در جهان هستی شکل می‌گیرد و انسان از طریق آن به ابراز وجود در اجتماع دست می‌یابد و فردیت او به رسمیت شناخته می‌شود و او را از سایرین متمایز می‌کند. به نظر می‌رسد این مؤلفه‌ها ابتدایی‌ترین مؤلفه‌های حضور هویت و حق ناشی از آن است که البته بی‌توجهی به آن می‌تواند پیامدهای گسترده اجتماعی، فرهنگی و سیاسی به بار آورد؛ از این رو در گام‌های اول، این تکلیف بر عهده والدین نهاده می‌شود تا با اعلام

نام، گرفتن شناسنامه و درج تاریخ تولد از طریق ساز و کارهای قانونی آن، انسانی را از صحنه حضور در اجتماع به واسطه ابتدایی‌ترین مشخصه‌های هویتی دور نسازند. از سویی، نهادهای قدرت با بهره‌گیری از روش‌های تعیین تابعیت (خون^۱ و خاک^۲) افراد را برای بهره‌مندی از مناسبات فردی و اجتماعی و حقوق هویتی خویش یاری دهند. صندوق کودکان ملل متحد^۳ در تعریف خود از حق بر هویت آورده است: «حق بر هویت مشتمل بر تصدیق اجتماعی و قانونی هر فرد است که او را دارنده حقوق و تکالیفی می‌سازد، همان‌گونه که تعلق او را به یک کشور، سرزمین، جامعه و خانواده امکان‌پذیر می‌کند؛ موقعیتی اساسی که فرد را در حفاظت از شأن فردی و اجتماعی‌اش یاری می‌رساند. به رسمیت شناختن این حق از طریق ثبت حقوقی تولد این امکان را فراهم می‌آورد که کودک از هویت، نام و تابعیت برخوردار باشد. به علاوه این امر متضمن ایجاد شخصیت حقوقی برای وی به مثابه صاحبان حق در یک کشور و دسترسی به نهاد بین‌المللی حقوق بشری است» (UNICEF, 2007: online).

در واقع، نخستین راه‌های به رسمیت شناختن این حقوق و البته مهم‌ترین آن در کنوانسیون حقوق کودک (۱۹۸۹) و در مواد ۷ و ۸ به آن پرداخته شده است. اگرچه پیشتر در میثاق حقوق سیاسی و مدنی (۱۹۶۶) در ماده ۲۴ و در اعلامیه جهانی حقوق بشر (۱۹۶۹) در ماده ۱۵ به لزوم ثبت تاریخ تولد و نام‌گذاری کودک و بهره‌مندی از تابعیت اشاره شده بود.

ضرورت و اهمیت پژوهش

با ارائه مفاهیم و مصادیقی از «حق بر هویت» می‌توان این نتیجه را گرفت که مؤلفه‌های تبیین شده برای این مفهوم در مراحل ابتدایی و مقدماتی خود باقی مانده است و از این رو برای تعریفی جامع و کامل و دستیابی به مصادیق گسترده حق بر هویت، نیازمند بررسی دقیق در اسناد و کنوانسیون‌های حقوق بشری است تا از هویت‌های تاریخی، قومیتی، جنسی، سیاسی، فرهنگی و... که به نوعی در تعاریف پیشین مسکوت مانده است، تصویری روشن‌تر از این حق ارائه شود. چنان‌که اکتفا به مصادیقی چون تاریخ تولد، شناسنامه و گذرنامه مبین تابعیت است، که اگرچه هویت اولیه انسان را تشکیل می‌دهد، اما در مسیر مناسبات فردی و اجتماعی جدید، هویتی پیشرو و

1. Jus Sanguinis (By blood)

2. Jus Soli (By birth)

3. UNICEF

فعال را از وی دریغ می‌دارد. بنابراین مصادیق ذکر شده را باید به عنوان شرط لزوم در تشخیص حق بر هویت به رسمیت شناخت، اما آن را شرط کافی نمی‌توان دانست.

روش پژوهش و ابزار گردآوری اطلاعات

این مقاله، با بهره‌گیری از آثار منتشر شده در این حوزه، روش توصیفی و تحلیلی را دنبال کرده است. در انجام مطالعات حقوقی، منابع قانونی و دکترین از اهمیت بالایی برخوردارند و این دو منبع به ترتیب در اسناد قانونی و کتب و مقالات حقوقی تجلی یافته است. همچنین، در این مقاله از روش اسنادی و کتابخانه‌ای برای گردآوری اطلاعات استفاده شده و با مطالعه کتب، مقالات و قوانین و مقررات موجود در این زمینه، از آنها فیش‌برداری شده سپس مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته‌اند.

حق بر هویت در اسناد و کنوانسیون‌های حقوق بشری

در نگرش‌های جدید شکل گرفته در بستر حقوق بشر، با رویکردهای اجتماعی هویت مواجه می‌شویم که خود را در قالب هویت‌های جمعی از جمله هویت تاریخی و سیاسی نمایان‌گر ساخته‌اند. این تقابل، در ابعاد فردی و جمعی منجر به تفاسیری شده است که بعضاً دیگری را نفی می‌کند؛ نظام مبتنی بر هویت فردی انسان را فارغ از رنگ، نژاد، جنسیت و مذهب می‌نگرد و کمال انسانی خود را به دور از تمامی مشخصه‌های تمییزدهنده انسانی تعریف می‌کند. از آن سو نظام هویت‌های جمعی، گستردگی و جهان شمولی فردیت انسان را به چالش می‌کشد و انسان را در فضای زندگی اجتماعی خود و با همان مشخصه‌های جمعی توصیف می‌کند، به گونه‌ای که فقدان هر یک از آن مشخصه‌ها هویت و شکل‌پذیری آن را دستخوش آسیب می‌سازد (Viola, 1995: online).

بر اساس ماده ۱۶ اعلامیه حقوق بشر و شهروند ۱۷۸۹ فرانسه: «جامعه‌ای که در آن حقوق فردی تضمین و تفکیک قوا تثبیت نشده است، به هیچ وجه قانون اساسی ندارد». بی‌تردید هویت فردی از اساسی‌ترین مشخصه‌های شکل‌گیری حقوق بشر بوده که بر مبنای آن اسناد و کنوانسیون‌های حقوق بشری به عرصه حضور گام می‌نهند تا در پرتو آن در تبیین و پدیداری حقوق فردی^۱ یاری‌رسان باشند. لزوم پرداختن به ابعاد حقوقی فرد در تبیین مشخصه‌های هویتی فرد از آن رو حائز اهمیت است که

1. Individual Rights

راهکارهای سیاسی و اجتماعی تأمین آن را فراهم می‌آورند (بلامی، ۱۳۸۴: ۹۵).

منشور سازمان ملل متحد نیز به عنوان اولین سند بین‌المللی بعد از جنگ جهانی دوم و اساسنامه سازمان ملل متحد، در تبیین مبانی حقوق بشری در ابعاد حقوق فردی حائز اهمیت است. در بخش مقدماتی این سند، به حقوق اساسی بشر و به حیثیت و ارزش شخصیت انسانی و به تساوی حقوق مرد و زن و همچنین بین ملت‌ها اعم از کوچک و بزرگ اشاره شده است و برای نیل به این اهداف در بند سوم ماده ۱ آن، پیشبرد و تشویق احترام به حقوق بشر و آزادی‌های اساسی برای همگان بدون تمایز از حیث نژاد، جنس، زبان یا مذهب را مد نظر قرار داده است.

از دیگر اسناد قابل توجه در عرصه حقوق فردی و حمایت از هویت‌های فردی، «اعلامیه جهانی حقوق بشر» است که در سال ۱۹۴۸، سه سال پس از تأسیس سازمان ملل متحد با هدف برقراری تضمین حقوق و آزادی‌های برابر برای همه مردم به تصویب مجمع عمومی سازمان ملل متحد رسید. پیشینه کمال‌گرایانه حقوق بشر نمایانگر توجه و تأکید بر فردگرایی است؛ آنچه سابق بر این حقوق بشر را فارغ از جنسیت، مذهب، نژاد و زبان متعلق به تک تک افراد بشری می‌دانست، به صورتی روشن در اعلامیه جهانی حقوق بشر و به صورتی خاص در ماده ۲ آن نمود کرده است: «همه انسان‌ها بی‌هیچ تمایزی از هر سان که باشند، اعم از نژاد، رنگ، جنسیت، زبان، مذهب، عقاید سیاسی یا هر عقیده دیگری، خاستگاه اجتماعی و ملی، [وضعیت] دارایی، [محل] تولد یا در هر جایگاهی که باشند، سزاوار تمامی حقوق و آزادی‌های مطرح در این اعلامیه‌اند» (Viola, 1995: online).

یکی دیگر از اسناد مهم حقوق بشری در زمینه حمایت از حقوق فردی افراد کنوانسیون منع تبعیض نژادی است که در ۲۱ دسامبر ۱۹۶۵ به تصویب مجمع عمومی سازمان ملل متحد رسید. افزون بر این سند، در خصوص هویت فردی و به تبع آن حقوق فردی، «کنوانسیون منع تبعیض علیه زنان» در ۱۸ دسامبر ۱۹۷۹ بر اساس قطعنامه ۱۸۰/۳۴ مجمع عمومی سازمان ملل به تصویب رسید. این کنوانسیون، شامل یک مقدمه و ۳۰ ماده بوده و هدف اصلی از تدوین آن زدودن هر نوع تبعیض علیه زنان و تأمین تساوی همه جانبه آنان با مردان است.

همچنین، «کنوانسیون حقوق کودک^۱» از کنوانسیون‌های قابل ملاحظه در زمینه

۱. متن کامل فارسی کنوانسیون حقوق کودک (مصوب ۲۰ نوامبر ۱۹۸۹) از این نشانی قابل بازیابی است: goo.gl/MBOMVX

توجه به هویت فردی و قالب بخشی به حقوق فردی، تلقی می‌شود. این کنوانسیون، تنها کنوانسیون جهانی است که صراحتاً بر «حق بر هویت» به مثابه یک حق اساسی تأکید می‌ورزد. در ماده ۸ این اعلامیه صراحتاً بر حق هویتی کودک اشاره شده است و کنوانسیون به منظور حفاظت از هویت فردی بیان می‌کند: «دولت‌ها می‌بایست هویت کودکان را مورد حمایت و احترام قرار داده و از تغییر غیر قانونی نام، تابعیت، یا پیوندهای خانوادگی^۱ آنان جلوگیری به عمل آورند. چنانچه بخشی از هویت کودک به صورتی غیر قانونی مورد انکار واقع شود، دولت‌ها بایستی هر چه سریع‌تر در جهت حمایت و بازساختن هویت کودک اقدام به عمل آورند» (کنوانسیون حقوقی کودک، ۱۹۸۹).

حق بر هویت در رسانه‌های اجتماعی

با شکل‌گیری عصری جدید از ارتباطات و فضای روابط اجتماعی، نگرشی تازه از حقوق و تکالیف را در عرصه این روابط تجربه می‌کنیم. امروزه فضای ارتباطی، در مقایسه با سال‌های اولیه حضور اینترنت (وب ۱) متفاوت است و شکل‌گیری روابط اجتماعی با دوران پس از وب ۲ متحول شده است. این گذار و توسعه ملزوماتی را می‌طلبد که در فضای منحصر به خود، قابل توصیف و تبیین است. حقوق بر شمرده در اولین اسناد الزام‌آور حقوق بشر اگرچه راهی مؤثر در تبیین حقوق فردی و اجتماعی انبای بشر بوده؛ اما با در نظر گرفتن عرصه‌ای جدید از ارتباطات باید بسیاری از حقوق و تکالیف را در چارچوب شکل‌گرفته جدید، نگریست. در بیان حق بر هویت به اسناد و کنوانسیون‌هایی اشاره شد که از مهم‌ترین آنها کنوانسیون حقوق کودک است که در آن به صورتی صریح و مستقیم به حقی تحت عنوان «حق بر هویت» اشاره می‌شود. برشمردن این حق در چارچوب یک حق اساسی و بنیادین به قدری قابل تأمل و توجه است که دادگاه اروپایی حقوق بشر در رویه قضایی خود، این حق را در تفسیر ماده ۸ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر قرار می‌دهد و از آن با عنوان حریم خصوصی افراد در زندگی یاد می‌کند و هویت را در برگیرنده جنبه‌های جسمانی و اجتماعی افراد می‌داند که شامل خود مختاری، توسعه و ایجاد و گسترش روابط انسانی و جهانی خواهد بود.^۲ بنابراین «حق بر هویت»، یک حق تلفیقی به شمار می‌آید؛ حقی که ابعاد فیزیکی، ذهنی و اجتماعی دارد و نمی‌توان از جنبه‌های

1 Family Relations

2. In *Tysiack v Poland* (Application no. 5410/03 Judgment 20 March 2007)

مختلف آن چشم پوشی کرد. پس دور از انتظار نخواهد بود چنان چه اهمیت این حق را در چارچوب روابط اجتماعی جدید که از جمله آن اینترنت و فضای مجازی حاکم بر دنیای مدرن است، به تصویر کشیم.

حال این پرسش مطرح می‌شود که چگونه می‌توان حق بر دسترسی به اینترنت را در نظر داشت، اما حق بر هویت آن‌لاین را نادیده گرفت؟ چطور می‌توان امکان ابراز ارتباطات فردی و جمعی را برقرار کرد، اما از سازوکارهای حمایت از این حق، غافل ماند؟

مشخصه اصلی رسانه‌های اجتماعی، شکل‌دهی شبکه‌های ارتباطی میان کاربرانی است که هویت‌شان در سایت‌های شبکه‌های اجتماعی^۱ به معرض نمایش در می‌آید؛ بنابراین دارا بودن صدها دوست در فیس‌بوک امری عادی به شمار می‌آید و اهمیتی ندارد که این دوستان همان افرادی باشند که در زندگی واقعی شما را دیده‌اند یا شما را مجذوب خود ساخته‌اند، بلکه آنچه حایز اهمیت است نقش جذابیتی است که در بروز و ظهور هویت آن‌لاین موثر واقع می‌شود. همین جاست که مرز میان هویت واقعی آفلاین (برون خط) و قالب سایت‌های شبکه‌های اجتماعی (هویت آن‌لاین) محو می‌شود. به نظر می‌رسد سخن از محو شدن مرز میان هویت آفلاین و آن‌لاین، مستلزم نشانه‌هایی از یکی شدن این دو هویت است؛ آنجا که تمایل اشخاص در قلمرو فضای مجازی بر نشان دادن هر چه بیشتر هویت حقیقی و مجازیشان بروز می‌یابد. اما هنوز نگرش‌های پذیرفته شده در فضای هویت آفلاین و آن‌لاین با یکدیگر تفاوت‌هایی دارد. چرا که در فضای واقعی با ابزارهایی از حواس خود روبرو هستیم که امکان پیوند عمیق‌تر را میان گروه‌های اجتماعی عضو در آن بیشتر می‌کند، در حالی که این ارتباط در فضای مجازی اغلب با واسطه و غیرمستقیم است. پس طبیعتاً نمی‌توان انتظار داشت که مؤلفه‌های حاکم بر این دو فضا یکسان باشند؛ هر چند نزدیکی میان آن دو دور از انتظار نخواهد بود. «آنچه اهمیت دارد آن است که تمایز میان فضای آن‌لاین و آفلاین، مشخصاً ترسیم‌کننده تمایز میان واقعی و مجازی نیست. مشارکت‌جویان می‌توانند برخی از فعالیت‌های آن‌لاین خود را به صورت مجازی و برخی دیگر را به صورتی واقعی دنبال کنند. به طور مثال، این امر در استفاده از رسانه جدید عادی است که فردی در یک پنجره آنچه را در پنجره‌ای دیگر در حال رخ دادن است برای دیگری بازگو کند؛ فرد پیشین موقعیتی واقعی را از آنچه توسط فرد مشارکت‌جو در فضای

1. Social Network Sites (SNSs)

مجازی ترسیم شده است، به تصویر می‌کشد» (Slater, 2011: online). این امر، نشان می‌دهد که لزوماً هویت آفلاین با فضای واقعی و هویت آن‌لاین با فضای مجازی هم‌پوشان نیست، بلکه گاهی هویت آن‌لاین پلی میان فضای واقعی و مجازی است. گذشته از آن «ساختار ماهیتی خود آن‌لاین نشان دهنده آن است که حریم خصوصی در جهان آن‌لاین به نسبت جهان آفلاین بارزتر می‌نماید» (Hongladarom, 2011: 240). این امر، بیانگر تفاوت میان این دو فضا است؛ چرا که فرد در جهان آفلاین انتخاب‌هایی را تجربه می‌کند که عموماً خود حافظ آن خواهد بود، اما فضای جهان آن‌لاین به گونه‌ای ترسیم شده است که افراد یا اشخاص تسلطی همه‌جانبه بر ترسیم روابط فردی و اجتماعی خود ندارند؛ آنجا که فضای سایت‌های شبکه‌های اجتماعی این امکان را برای شما فراهم می‌آورد تا با دوردست‌ترین افراد در جهان در پیوند باشید، بی‌شک امکان شناختی دقیق و همه‌جانبه را از شخص مورد نظر هم چون فضای آفلاین به شما خواهد داد؛ پس آنجاست که سازوکارهای به کار گرفته شده به منظور صیانت از هویت افراد و حریم شخصیشان حایز اهمیت می‌شود.

«هویت آفلاین در بسیاری از جنبه‌ها از هویت آن‌لاین متمایز است. این ابعاد، شامل زمینه یا بستر شکل‌گیری، نحوه ایجاد، نحوه کنترل، نحوه نمود و محدودیت‌هاست. در بعد زمینه یا بستر شکل‌گیری، هویت آفلاین مبتنی بر ارتباط رو در روست؛ حال آنکه هویت آن‌لاین مبتنی بر وب است. در نحوه ایجاد، هویت آفلاین متکی بر الزاماتی است که زمان و تلاش قابل توجهی را برای ساختن روابط و دوستی‌ها برای ترسیم هویت شخص می‌طلبد. ایجاد هویت آن‌لاین نسبتاً سریع شکل می‌پذیرد. در بُعد نحوه کنترل، در هویت آفلاین شخص نمی‌تواند چگونگی دریافت احساسات دیگران را کنترل کند. همچنین شخص نمی‌تواند نام و دیگر اطلاعات قابل شناسایی شخصی خود را مخفی کند؛ حال آنکه در هویت آن‌لاین، تصویر هویتی شخص، تحت کنترل است و کاربر می‌تواند اطلاعات قابل شناسایی خود را مخفی نگاه دارد. از لحاظ نحوه بازنمایی یا نمود، در هویت آفلاین دشوار است که هویت شخصی پنهان بماند و محتمل است که هویت شخص به علت ارتباطات با دیگران آشکار شود. حال آنکه در هویت آن‌لاین، شخص/ کاربر می‌تواند هویت خویش را به صورتی انتخابی و متفاوت در گروه‌های مختلف اجتماعی ترسیم کند. در خصوص محدودیت‌ها، در هویت آفلاین موقعیت فیزیکی شخص نقش پررنگی در تعریف هویت او ایفا می‌کند. به طور مثال، شخصی

فقیر نمی‌تواند نقش هویتی یک فرد ثروتمند را نشان دهد؛ حال آنکه در هویت آن‌لاین، هویت شخص به ویژگی‌هایی مبتنی است که او از طریق یک سیستم به کار می‌بندد» (Kim, et.al, 2011: 1761). این تفاوت‌ها، به خوبی نمایانگر تبیین هویت آفلاین و مشخصه‌های آن است: «اول آنکه با این تفسیر، هویت آن‌لاین نمی‌تواند نمود هویت واقعی شخص باشد. در جهان فیزیکی، هویت شخص ذاتاً بر جسم فیزیکی او مبتنی است؛ چرا که بدون هویت، فرد نمی‌تواند خودش را از دیگر افراد بشر متمایز سازد. از سوی دیگر، افراد به طور متفاوتی نسبت به آنچه در بستر آن‌لاین حضور دارند، خود را ترسیم می‌کنند. به طور مثال شخصی که در فضای آفلاین خجالتی است، قادر است در فضای آن‌لاین رفتار جسورانه‌ای از خود بروز دهد. دوم اینکه، شکل‌گیری هویت آفلاین کسل‌کننده بوده و نیازمند زمان و تلاش است، زمانی که فرد می‌خواهد ترسیمی از هویت خود را در روابط انسانی بسازد. به هر حال شکل‌گیری هویت آن‌لاین نسبتاً آسان‌تر است؛ چرا که با محدودیت‌های فضای فیزیکی محدود نشده است. سوم آنکه عوامل احاطه بر نحوه نظارت همچون، نژاد، سن و جنسیت بر خودشناسی و خوداظهاری آفلاین تاثیرگذار است. در مقایسه، فرد می‌تواند ابزارهای دیجیتالی فراوانی را برای بیان هویت آن‌لاین خود به کار بگیرد و به آسانی تصاویری را برگزیند، که می‌خواهد ترسیم‌کننده او باشد. چهارم آنکه، برخی جنبه‌های هویت‌های آفلاین به سختی قابل پنهان شدن است. از سویی دیگر، فرد می‌تواند به صورتی انتخابی هویتی از خود را در فضای دیجیتال ترسیم کرده و انتخاب کند. نکته پایانی اینکه تصاویری که افراد برای خودشان در هویت‌های آفلاین ترسیم می‌کنند به واسطه محدودیت‌های فیزیکی و موقعیت‌های عملی محدود می‌شود، در حالی که تصاویری که در نمایش آن‌لاین به کار برده می‌شود، توسط همان سیستم آن‌لاین محدود می‌شود. بنابراین هویتی که به طور آن‌لاین تشکیل شده، می‌تواند لزوماً با هویت آفلاین پیوند نخورد» (Ibid).

حق بر هویت آن‌لاین

به تعبیر پل برنال^۱ برای درک چگونگی برخورداری هویت آن‌لاین از منظر حقوقی، باید ابعاد پیچیدگی و همه‌تمايزات و تشابهات آن را به حساب آورد (Bernal, 2012: online) و اگر هویت آن‌لاین امروزه به عنوان یک عنصر اساسی در زندگی مطرح شده، ساخت کامل آن توسط هر فرد، نیازمند ابراز هویت آن‌لاین است؛ از آن روست

1. Paul Bernal

که صرف ساخت یک یا چند هویت آن‌لاین، به معنای آزادی ابراز هویت آن‌لاین نیست. در خصوص «حق بر هویت در فضای آن‌لاین»، باید در نظر داشت که این حق، واجد سه عنصر اساسی «حق بر خلق یا ایجاد هویت آن‌لاین»، «حق بر اظهار هویت آن‌لاین» و «حق بر حفاظت از هویت آن‌لاین» است. در بیان هویت آن‌لاین باید به این نکته اشاره کرد که «هویت آن‌لاین» را باید به عنوان موضوعی پیچیده‌تر از تصدیق ارتباط میان فعالیت آن‌لاین با کاربر حقیقی در نظر گرفت. هویت‌های آن‌لاین واجد پیچیدگی، چند وجهی بودن و توسعه یافتگی تلقی می‌شوند، که از این لحاظ با هویت‌های دنیای واقعی وجوه تشابه و البته تمایزات اساسی دارند.

بنابراین بی‌دلیل نیست که صاحب نظران در خصوص هویت آن‌لاین، با تکیه بر راه‌های ارتباطی رایانه‌محور که خود اظهارهای جدید و خلاق را ارائه می‌دهند، از فقدان ارتباط میان هویت آن‌لاین و واقعیت‌های زندگی آفلاین ابراز نگرانی می‌کنند. اگرچه بعد از استیلا و پراکندگی زمانی و مکانی فیس‌بوک می‌توان ادعا داشت که زندگی‌های آن‌لاین به فیس‌بوک منتقل شده است. به گونه‌ای که نه تنها هویت‌های آن‌لاین را به هویت‌های آفلاین متصل ساخته، بلکه در چارچوب خاص سایت‌های شبکه اجتماعی، فشارهایی را به منظور متحد ساختن خود-اظهارهای برآمده از اجتماعات مختلف به مثابه زندگی آن‌لاین دنبال می‌کند؛ فشاری که موجب شده هویت آن‌لاین متفاوت و بعضاً گسترده‌تر از زندگی آفلاین باشد. از سوی دیگر نگرانی عمده در این خصوص آن است که هویت آن‌لاین یا به تعبیر دیگر، شخص آن‌لاین به شدت از به بند کشیده شدن جدا شده و می‌تواند هویت آن‌لاین را با خود حقیقی یا آفلاین پیوند زند؛ چرا که این به بند کشیده شدن هویت آن‌لاین، خود ظهور و مقدمه‌ای خواهد بود تا استقلال کاربر و اجرایی شدن هویت او را نادیده بگیرد. «این تغییر جهت، نگرانی‌های برجسته‌ای را در حوزه حریم خصوصی، نظارت و داده‌کاوی نمایانگر می‌سازد که البته به طور کامل در نگاه صاحب‌نظران معاصر در خصوص اظهار هویت آن‌لاین بازتاب معقولی نیافته است» (Wittkower, 2014: online).

«افراد در مواجهه با هویت، از تصاویری استفاده می‌کنند که در برگیرنده درک آنها از نژاد، جنسیت، سن و نظایر آن است و به منظور ساماندهی اجتماعی و شکل‌دهی افعال خود پی‌ریزی می‌کنند. آنها لزوماً به اشکال هویت آن‌لاین با هدف انتظار یا تمایل مبنی بر تغییر تصورات خود در خصوص هویت، نمی‌پیوندند. بنابراین برای ارزیابی آثار

بالمقوله هویت آن‌لاین، محققان نیازمند آن‌اند که نه تنها چگونگی تفاوت یا شباهت آن با هویت آفلاین را در نظر بگیرند، بلکه درک کاربران از این تفاوت‌ها و شباهت‌هاست که سازنده هویت آن‌لاین خواهد بود. علاوه بر این، تمرکز بر این نکته که کاربران در نقش هویتی خود به مقوله‌ای همچون تغییر جنسیت نیز پرداخته‌اند، نیاز ما را به آگاهی در خصوص معنا و اهمیت چنین رفتارهایی نمایان می‌سازد. همچنین لازم است مفاهیمی از این دست، در پرتو ارتباطات سیاسی و اجتماعی، چه در حوزه آن‌لاین و چه در حوزه آفلاین به بحث گذاشته شود. این نگاه، برخاسته از نگرشی است که تمایز یا تفاوتی را میان به کارگیری هویت آن‌لاین و آفلاین کاربران در صحنه ارتباطات آن‌لاین نمی‌بیند؛ نگرشی که معتقد است اگرچه فعالان این عرصه به ندرت به صورتی مستقیم به مؤلفه‌های هویتی خود از جمله طبقه و نژاد استناد نمی‌کنند، اما ایده‌ها و تصورات خود را در مورد جنبه‌های هویتی از طریق به کارگیری هویت آن‌لاین به ظهور می‌رسانند (Kendall, 1998: 132-150).

هویت جنسی و ارتباطات آن‌لاین

فیس‌بوک، غول دنیای رسانه‌های اجتماعی از سال ۲۰۱۴ با افزودن چندین گزینه اختیاری برای انتخاب جنسیت و ضماین مرتبط با آن برای ثبت‌نام افراد و نمایش آن در پروفایل، گام مهمی در این زمینه برداشت. فیس‌بوک این امکان را ابتدا به صورت آزمایشی برای ۱۵۹ میلیون، کاربران ایالات متحده آمریکا فعال کرد و به تدریج به افراد اختیار بیشتری برای انتخاب جنسیت و جنس خودشان داد. این انتخاب، شامل دو جنسی، دو جنسیتی، بی جنسیت، تراجنسی و بسیار از هویت‌های جنسی دیگر شده است. بریل هریسون^۱، مهندس نرم‌افزار فیس‌بوک می‌گوید: «این موضوع شاید برای بسیاری از مردم اهمیتی نداشته باشید، اما برای عده کمی یک مسئله مهم و اساسی است.» هریسون خودش در گذشته مراحل تغییر جنسیت از مرد به زن را انجام داده و یک تراجنسی بوده است. هریسون علاوه بر نظارت برای عملکرد درست این گزینه جدید، هویت فیس‌بوک خودش را نیز به ترنس زن تغییر داد. هریسون می‌گوید: «پیش از این همه افراد چه ترنس و چه غیرترنس مجبور بودند بین دو گزینه زن یا مرد یکی را انتخاب کنند و این اصلاً خوب نیست زیرا کسی نمی‌تواند به دیگری بگوید

1. Brielle Harrison

حتما باید زن یا مرد باشی». فیس‌بوک با بیش از ۱,۲ میلیارد کاربر فعال، این اختیار را به کاربران داده تا بتوانند هویت جنسیتی خودشان را شخصی نگه دارند یا به صورت عمومی در بیاورند. انستیتو ویلیامز که در دانشگاه کالیفرنیا و لس‌آنجلس مستقر است تخمین می‌زند چیزی حدود ۷۰۰ هزار تراجنسیتی در آمریکا زندگی می‌کنند. این تغییر، در فیس‌بوک باعث روانه شدن تشکرهای بسیاری به سوی این شرکت شد و رضایت کاربران را در پی داشت. این اقدام فیس‌بوک می‌تواند شروعی برای پذیرش حقوق ترنس‌ها در جوامع آن‌لاین باشد. چاد گریفین از کمپین حقوق بشر می‌گوید: «با این تغییر فیس‌بوک، از این پس افراد می‌توانند صادقانه‌تر درباره هویت جنسیتی خود صحبت کنند و من امیدوارم دیگران نیز دنباله‌رو این حرکت خوب فیس‌بوک باشند». جف جانستون تحلیلگر مسائل مربوط به خانواده می‌گوید: «شاید مدیران فیس‌بوک سایت خودشان را این‌گونه اصلاح کرده باشند، اما یک نکته در این میان باقی می‌ماند. کسی نمی‌تواند حقیقت بیولوژیک انسان را انکار کند. حقیقت این است که انسان تنها به دو گروه تقسیم می‌شود: زن و مرد». در مقابل، میسن دیویس مسئول یک سازمان حمایتی در سان فرانسیسکو معتقد است: «برای بسیاری از مردم درک این مسئله که هویت جنسیتی برای تراجنسی‌ها چقدر مهم است سخت است، اما بسیاری از ترنس‌ها همچنان زده هستند تا بتوانند هرچه زودتر جنسیت خود را در پروفایلشان درست کنند» (Rt.com, 2014: online).

این حرکت فیس‌بوک بعد از سال‌ها فشار و درخواست کاربران بر روی این شبکه اجتماعی انجام شد. گوگل برای نمایه (پروفایل) خود، سه گزینه زن، مرد و سایر را در اختیار کاربران قرار داده است. طرفداران حقوق ترنس‌ها می‌گویند این امکان فیس‌بوک که گزینه‌های متنوعی را در اختیار کاربران می‌گذارد، باعث جذب بیشتر کاربران به سمتش می‌شود و این سایت را از هر شبکه اجتماعی دیگری پیش می‌اندازد. در گوگل پلاس حدود ۱ درصد افراد گزینه سایر را انتخاب کرده‌اند. این تدبیر بی‌شک نمایانگر نقش هویت در فضای آن‌لاین است و امکانی است که می‌تواند افراد را در حوزه هویت آن‌لاین در بازنمایی هرچه بهتر خود واقعیشان یاری رساند. بی‌تردید، این فضا حوزه‌های سیاسی و اجتماعی محدود جغرافیایی را در نور دیده و این امکان را برای افراد در سراسر دنیا فراهم ساخته است، تا با در نظر گرفتن هویت واقعیشان به عضویت شبکه‌ای اجتماعی هم چون فیس‌بوک در آیند؛ امری که هنوز در مختصات

سازوکارهای حقوقی و قانونی بسیاری از کشورها مسکوت مانده است. بروز این هویت در فضای آن‌لاین رسانه‌های اجتماعی می‌تواند خود به یکی از دغدغه‌های کاربران مبدل شود. چراکه افراد در فضای ارتباطات اجتماعی مجبور به خودسانسوری شده و از این طریق هویت واقعی‌شان پنهان می‌شود.

در ایران نیز نمونه‌های اولیه‌ای از این تلاش‌ها از سوی کنشگران مدنی انجام شده است. برخی از کاربران پرترفدار ایرانی اینستاگرام نظیر «بهنوش بختیاری» برای هویت‌بخشی و آگاه‌سازی عمومی، در خصوص هویت جنسی تراجنسی‌ها^۱، خود را به عنوان سفیر ترنس‌ها معرفی کرده و در سال‌های اخیر از طریق همین رسانه‌های اجتماعی فعالیت خود را توسعه داده‌اند. (بصیریان جهرمی و نحوی، ۱۳۹۵: ۱۶).

با این حال، زمانی که دولت یا حاکمیتی در جهت محدودسازی و کنترل یک اقلیت قومی، مذهبی یا زبانی در سرزمین تحت سلطه خود برآمده است، به سختی می‌توان آزادی عمل این افراد را در فضای رسانه‌های اجتماعی با پیوندهایی فراتر از مرزهای جغرافیایی مرسوم، تاب آورد و این امر می‌تواند قدم‌های اولیه برای نقض حق بر هویت را در فضای آن‌لاین به دنبال داشته باشد. همچنین بسته به آنکه حاکمیت‌ها خود را در چه جنبه اجتماعی مورد تهدید ببینند؛ گاه تبلور این تهدید در فضای جنبش‌های سیاسی، گاه در فضای جنبش‌های اجتماعی و مدنی و زمانی از طریق اقلیت‌های قومی، مذهبی یا زبانی خواهد بود.

یکی از وقایع رخ داده در سال ۲۰۰۹ در استان «هوبی» چین نمایانگر نقش بسیار اساسی و تاثیرگذار اینترنت و فضای آن‌لاین است. «در سال ۲۰۰۹ در استان هوبی چین، دختر پیشخدمت ۲۱ ساله‌ای به نام «دنگ یوجی آئو» به عنوان مانیکوریست

۱. تراجنسی که ترنس‌چوال و ترنس‌شوال (Transsexual) و به اختصار تی‌اس یا ترنس می‌نامند، به افرادی گفته می‌شود که دارای هویت جنسیتی متناقض هستند و ممکن است فرد اعضای جنسی مردانه داشته باشد در حالی که شخصیت جنسیتی‌اش زنانه باشد یا برعکس. این تضاد ممکن است در ذهن، رفتار خصوصی یا رفتار اجتماعی مشخص باشد. تراجنسی یک اصطلاح برای شناسایی افرادی است که دارای هویت جنسیتی (Gender) متناقض هستند یا تطبیق فرهنگی درستی با هویت جسمی خویش (Sex) ندارند. در واقع، تراجنسی فردی است که تشخیص روانی خود فرد از جنسیتش با اندام‌های جنسی زمان تولدش متفاوت است. تراجنسی‌ها علاقه شدید برای طی کردن مراحل تغییر و پیوستن به جنس مخالف را دارند. این مراحل می‌تواند شامل هورمون درمانی، تغییر در رفتار اجتماعی، پوشش یا جراحی تغییر جنسیت باشد. درمان نشدن می‌تواند باعث خودکشی تراجنسی‌ها شود (Taylor & Haider-Markel, ۲۰۱۴, p ۲۲).

برای تجارتخانه نه چندان خوشنامی کار می‌کرد که خدمات رستوران، چشمه آب معدنی تفریحی و سالن آرایش ارائه می‌کرد. حامیان آن می‌توانستند شراب بنوشند و غذا بخورند و بعد با فراغ بال بدون اینکه از ساختمان بیرون بروند، موهایشان را اصلاح کنند، مانیکور شوند و ماساژ شوند؛ گویا خدمات جنسی هم فراهم بود. یکی از مقامات محلی حزب کمونیست که دوستانش را در این مکان چند منظوره سرگرم می‌کرد، از دنگ خوشش آمد. تقاضای سکس کرد، ولی دنگ این تقاضا را رد کرد. او سعی کرد دنگ را وادار به این کار کند، ولی دختر با چاقوی چدیکور به تقلا افتاد و در این میانه مرد کشته شد. خبر حادثه به سرعت در فضای آن‌لاین منتشر شد. از دنگ به عنوان یک قهرمان ستایش شد. بلاگری توانست بیمارستان روانی را که او در آن نگهداری می‌شد پیدا کند و عکس‌هایی از او را در فضای آن‌لاین منتشر کرد. زنان با شور و شوق فراوان پست‌هایی می‌نوشتند با عنوان: «ما همه دنگ یوجی آئو هستیم». به رغم کوشش دولت برای کنترل خبر، مردم از سوءاستفاده مقامات محلی دون پایه از قدرت و شرایط اقتصادی که زنی جوان را ناگزیر کرده بود در چنین مکان بدنامی کار کند، سخت عصبانی بودند. مقامات که دریافته بودند هر محکومیتی ممکن است منجر به شورش شود، اتهام قتل را که به دنگ وارد شده بود، پس گرفتند. در عوض، دنگ با اتهامی سبک‌تر محکوم و سپس آزاد شد. در عصر پیش‌اینترنت، چنین فردی در سیستم زندان یا بخش‌های یک بیمارستان روانی ناپدید می‌شد بدون اینکه کسی جز چند دوست نزدیک و بستگانش در هوبی از آن باخبر شوند» (مک‌کینن، ۱۳۹۲: آن‌لاین).

این تحول نشان می‌دهد اینترنت و فضای دستیابی به حوزه آن‌لاین، مردم را قادر می‌سازد که در برابر قدرت، حقیقت را بگویند و به شیوه‌هایی بی‌سابقه عدالت را دنبال کنند؛ همه این موارد می‌تواند به صورتی مستقیم یا غیرمستقیم در شکل‌دهی و صیانت از حق بر هویت در فضای آن‌لاین مؤثر واقع شود. این حمایت‌های شبکه‌ای و سلسله‌وار در فضای سایت‌های شبکه‌های اجتماعی نشان‌دهنده درنوردیده شدن مرزهایی است که عموماً افراد را در چارچوب‌های از پیش تعیین شده و مشخص اجتماعی، قومی، سیاسی و فرهنگی تعریف می‌کرد؛ مرزهایی که غالباً جولانگاه سیاست‌های حاکمیتی می‌شود. افزون بر مواردی که گفته شد، در حوزه حق بر هویت آن‌لاین، دو موضوع ارتباطی به طور قابل ملاحظه‌ای با مبحث «هویت آن‌لاین» پیوند خورده است؛ یکی «حق بر

حریم خصوصی»^۱ و دیگری «حق بر فراموش شدن»^۲. بنابراین پرداختن به این دو، می‌تواند حوزه حقوقی مفهوم «هویت آن‌لاین» را بیش از پیش روشن سازد.

حق بر حریم خصوصی و هویت آن‌لاین

با شکل‌گیری ارتباطات آن‌لاین و فضای مجازی، بی‌تردید یکی از مفاهیم حائز اهمیت «حق بر حریم خصوصی» است. این حق در اسناد و کنوانسیون‌های حقوق بشری مورد حمایت و تضمین قرار گرفته و تقریباً در تمامی مقالات مرتبط با «حق بر هویت» به ویژه در فضای مجازی، ارتباط میان این دو، مورد توجه واقع شده است. جنبه‌های کلیدی حریم خصوصی، با هویت آن‌لاین همسویی دارد. به همین خاطر، در نظر گرفتن حریم خصوصی آن‌لاین از منظر حق بر هویت آن‌لاین، می‌تواند راه‌هایی را به منظور افزایش امنیت اینترنت و حفاظت از حریم خصوصی ایجاد کند (Bernal, 2012, p 3). شاید بتوان یکی از دلایل عمده در توجیه خلا پرداختن به «حق بر هویت» را در مقایسه با سایر حقوق بیان شده در اسناد و کنوانسیون‌های حقوق بشری، هم‌پوشانی عناصر مؤثر در تبیین «حق بر هویت» و «حق بر حریم خصوصی» دانست. با درخواست شورای اروپایی در موضوع جامعه اطلاعاتی و حاکمیت اینترنت، بخش تحقیقاتی به منظور بررسی موضوعات مربوط به اینترنت تحقیقات خود را طی گزارشی در سال‌های ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۵ به عنوان یک موضوع حقوقی به شورای حقوق بشر تقدیم کرد. هدف از این تحقیق، فراهم آوردن گزارشی برای ارائه گزارش کار به کنفرانس وزارت فدرال اروپا و امور بین‌الملل اتریش و شورای اروپا با طرح «اینترنت ما، حقوق ما، آزادی‌های ما» بود. در گزارش شورای راهبردی اروپا در زمینه حاکمیت اینترنت ۲۰۱۱-۲۰۱۵ (وین، ۲۴-۲۵ نوامبر ۲۰۱۱)^۳ آمده است:

«اطلاعات شخصی به عنوان اطلاعاتی معرفی می‌شود که هر گونه اطلاعات قابل شناسایی و قابل شناخت فردی را در بر می‌گیرد. این حمایت و حفاظت از اطلاعات شخصی به صورتی آشکار با حوزه زندگی خصوصی که در ماده ۸ کنوانسیون اروپایی آمده است، ارتباط پیدا می‌کند. ماده ۸ این کنوانسیون دربرگیرنده گستره پهنای از علایق بوده که زندگی خصوصی و خانوادگی، خانه و نظایر آن را پوشش می‌دهد. در این ماده آمده است: «۱. هر کس از حق احترام نسبت به زندگی خصوصی و خانوادگی،

1. Right to Privacy

2. Right to be forgotten

۳. قابل دانلود از: www.echr.coe.int

خانه و نظایر آن برخوردار است. ۲. این حق نباید از طریق حاکمیت عمومی به واسطه تجسس در این حق، نقض شود، مگر از طریق به کارگیری قانون و آنچه در یک جامعه دموکراتیک لازم است برای منافع امنیت ملی، امنیت عمومی یا منافع اقتصادی یک کشور، برای جلوگیری از اخلال یا ارتکاب جرم، یا برای حمایت از بهداشت یا اخلاق یا حمایت از حقوق یا آزادی‌های دیگر.»

در واقع دادگاه در قضیه «مارپر علیه انگلستان»^۱ بیان می‌کند که حمایت از اطلاعات شخصی اهمیتی اساسی در برخورداری فرد از حق بر زندگی خصوصی و خانوادگی دارد. زندگی خصوصی شامل حریم خصوصی ارتباطات است، که امنیت و حریم خصوصی ایمیل، تلفن و دیگر اشکال ارتباطی و حریم خصوصی اطلاعاتی را در برمی‌گیرد. لذا با این تصور، حریم دسترسی به اینترنت در فضای ارتباطی جدید یکی از حقوق مهم به حساب می‌آید. به عنوان نمونه، مفهوم زندگی خصوصی در برگیرنده عناصری است که در قضیه سیاکا علیه دولت ایتالیا، حق فرد را نیز بر تصاویر شخصی‌اش مورد تأکید قرار داد.^۲ به عبارت دیگر عکس‌ها و فایل‌های تصویری نیز، در قالب همان ماده ۸ قابل تفسیر است. این موضوع با ذخیره‌سازی تصاویر در وبسایت‌های همگانی یا اجتماعی نیز مربوط است. ضبط صدای شخصی نیز، با حق احترام بر زندگی خصوصی تداخل می‌یابد آن چنان که در قضیه‌ای علیه دولت انگلستان مطرح شده بود.^۳ در قضیه اوزون علیه دولت آلمان، دادگاه کشف کرد که نظارت از طریق برنامه جی پی اس (GPS) و فرآیند به کارگیری آن، با حفاظت از حریم خصوصی آن چنان که ماده‌ی ۸ و ۱ از آن حمایت می‌کند، مغایر است.^۴ آن چنانکه هدف زمینه‌ای ماده ۸ در اصل، حمایت از افراد در برابر مداخله خودسرانه حاکمیت عمومی است، نمی‌توان الزاماتی ذاتی احترام به زندگی خصوصی را از نظر دور داشت. این الزامات می‌تواند در برگیرنده تصویب معیارهایی توسط دولت‌ها باشد تا احترام به حوزه زندگی خصوصی افراد تضمین شود؛ به طور مثال ترسیم حوزه‌ای امن برای کاربران اینترنت از کسانی که امکان دسترسی به وبسایت‌ها و رسانه‌های

1. S. and Marper v. the United Kingdom [GC], nos. 30562/04 and 30566/04, § 41, 4 December 2008

2. Sciacca v. Italy, no. 50774/99, § 29, ECHR 2005-I

3. P.G. and J.H. v. the United Kingdom, no. 44787/98, §§ 59-60, ECHR 2001-IX

4. no. 35623/05, 2 September 2010

اجتماعی را فراهم می‌آورند. به عبارت دیگر الزامی اثربخش، برای دولت به منظور تضمین بازدارندگی مؤثر، علیه اعمال جسورانه‌ای که در برابر اطلاعات شخصی افراد حادث می‌شود، می‌تواند از طریق مقررات مناسب جزایی اعمال شود؛ قضیه اخیر علیه دولت فنلاند تاکیددی است بر اینکه الزامات مثبت در حوزه اینترنت غالباً به صورت شکایت و دادخواهی خود را نمایان ساخته است.^۱

با توجه به ساختار اینترنت، یک دولت در برابر شخص سومی که اطلاعات افراد را ذخیره می‌کند، مسئول خواهد بود. گردآوری، ذخیره، استفاده و فاش کردن اطلاعات شخصی توسط دولت، به طور مثال برای ابزار سازمان پلیس، می‌تواند به صورتی قابل توجه حق زندگی خصوصی فرد را که در مواد ۸ و ۱ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر تضمین شده است، نقض کند. متعاقب یافته‌ها به کارگیری اطلاعات ذخیره، قابل تحمل نخواهد بود؛ مگر مداخله صورت پذیرفته در چارچوب مفهوم «تحت نظارت قانون» یا «لازمه یک جامعه دموکراتیک» در ماده ۸، اهداف قانونی و فردی را تضمین کند. در قضیه اوزون علیه دولت آلمان دادگاه به این نتیجه می‌رسد که شکایت شاکی علیه جی.پی.اس (GPS) که توسط دادستانی عمومی فدرال به کار گرفته شده است، متضمن بررسی‌هایی از جانب آنها برای تحرکات تروریستی و تلاش برای ارتکاب جنایت بوده است. لذا دولت متبوع را بر آن داشته تا به منظور جلوگیری از حملات و ارتکاب جرم و حفظ منافع ملی و امنیت عمومی و حمایت از حقوق قربانیان، این مداخله را به عمل آورد. در نهایت، این مداخله برای تضمین اهداف قانونی و مفهوم «لازمه یک جامعه دموکراتیک» در پرتو ماده ۸ قابل پذیرش خواهد بود. بنابراین زمانی که اطلاعات شخصی برای منافع ملی ذخیره می‌شوند، باید تضمین‌های مناسب و مؤثری علیه سوءرفتار یک دولت در نظر گرفته شود.

همچنین قانون مورد بحث که اجازه ذخیره‌سازی چنین اطلاعاتی را می‌دهد، باید با شفافیت مناسب، حوزه و موقعیت قدرت احتیاطی حاکمان را مورد بررسی قرار دهد. البته که فعالیت‌های تجاری و حرفه‌ای نیز از مفهوم حریم خصوصی استثنا نخواهد شد و بسیاری از این حوزه‌ها را در بر خواهد گرفت. وقتی یک کسب و کار یا حرفه از جانب اقامتگاه خصوصی شخص در نظر گرفته می‌شود، می‌تواند تحت پوشش مفهوم خانه تلقی شود. در نتیجه، تماس‌های تلفنی از فضاهای مربوط به کسب و کار در نگاه اول با مفهوم زندگی خصوصی هم‌پوشانی و البته با اهداف ماده ۸ مطابقت پیدا می‌کند. این

1. no. 2872/02, § 43, 2 December 2008

موضوع به صورتی منطقی، ایمیل‌های را که از محل کار ارسال می‌شود در نظر گرفته و از جانب ماده ۸ حمایت می‌شود در نتیجه اطلاعات نشئت گرفته باید در پیوند با کاربردهای شخصی از اینترنت در نظر گرفته شود.

در ادامه این گزارش آمده است: نگهداری اطلاعات در پایگاه‌های اطلاعاتی ملی و اروپایی هدفی است که نظرها در مورد آن، در آینده به شکلی بحث‌برانگیز و رایج خواهد بود. پیش از آنکه به دادگاه اروپایی حقوق بشر امکان اشاعه و گسترش چنین پایگاه‌هایی داده شود؛ در سطح اروپا فرد قادر است به پایگاه SIS (نظام اطلاعاتی شینگن)، پایگاه CIS (نظام اطلاعاتی گمرک) و VIS (نظام اطلاعاتی صدور ویزا) مراجعه کند. این موضوع، با تمایل فزاینده نسبت به اشتراک اطلاعات و همکاری مشترک و نیز با نگرانی‌های فزاینده در زمینه امنیت (و متعاقب آن حملات گسترده تروریستی) و مسائل مرتبط با مهاجرت همراه خواهد بود. تازه‌ترین پرونده‌های مرتبط در این زمینه نشان می‌دهد که دادگاه اروپایی حقوق بشر با مفاهیم جدیدی چون انتقال‌پذیری اطلاعات و حق بر فراموش شدن- یا به عبارت دیگر حق بر تبدیل اطلاعات ذهنی به عینی برای پردازش‌های آتی و در قالب اطلاعات شخصی فرد- و همچنین متعهد شدن نسبت به کنترل اطلاعات به‌منظور از بین بردن آنها در کوتاه‌ترین زمان ممکن که دیگر ضرورتی برای پردازش آنها وجود ندارد، مواجه است. این گزارش می‌افزاید: «در قضیهٔ کوپلند^۱ علیه دولت بریتانیا پیامد شنود و ردیابی تلفن، ایمیل و کاربرد اینترنت ذیل مادهٔ ۸ مورد بحث قرار گرفت. در این پرونده، دادگاه ارتباطی میان افشا شدن اطلاعات گردآوری شده دانشگاه محل اشتغال شاکی علیه وی در رشتهٔ تحصیلی یا دیگر حوزه‌ها پیدا نمی‌کند و صرفاً ذخیره‌سازی اطلاعات سبب تداخل با زندگی خصوصی وی شده است. دادگاه مانع نظارت بر استفاده کارمندان از تلفن، ایمیل یا اینترنت در محل کار نیست، به شرط آنکه لزوم این‌گونه نظارت در جامعه‌ای دموکراتیک و در موقعیت‌هایی خاص ضروری باشد که اهداف حقوقی دارند. از همین رو، در مورد اخیر هیچ قانون داخلی در خصوص نظارت در آن زمان وجود نداشته است.^۲ در پرونده‌ای علیه فنلاند، دادگاه چنین حکم داد که علی‌رغم وجود آزادی بیان و محرمانه بودن ارتباطات در جوامع که از ملزومات اولیه بوده و کاربران خدمات اینترنتی و ارتباطات راه دور، باید حریم خصوصی و نیز آزادی بیانشان مورد

1. Copland

2. Copland v. the United Kingdom, no. 62617/00, ECHR 2007-I

احترام و ضمانت اجرا واقع شود، با این حال، چنین ضمانتی نمی‌تواند مطلق بوده و باید در چارچوب الزامات مشروع از قبیل ممانعت از ایجاد اخلال یا جرم یا حمایت از حقوق و آزادی‌های دیگران تعریف شود».

در تمامی این پرونده‌ها، با موضوعات مشابه به حفظ حریم خصوصی افراد که همانا هویت آنهاست، تاکید شده است. حریم خصوصی تنها یک مکان مادی و جغرافیایی همچون خانه در نظر گرفته نمی‌شود؛ بلکه حفاظت از ایمیل شخصی، تلفن یا اینترنت در فضای ارتباطات شکل می‌گیرد و در جهان معاصر، اهمیتی به مراتب بیشتر از انحصار هویت در قالب جغرافیایی مشخص دارد. این اهمیت تا بدان جاست که دادگاه اروپایی حقوق بشر جز در موارد استثنایی بر لزوم حفظ و حراست از آن توسط دولت‌ها و ارائه‌دهندگان خدمات آن لاین (ISPs) تاکید می‌کند. این موارد استثنا نیز نمی‌تواند آن چنان بسیط تفسیر شود که حق بنیادین افراد را نادیده گیرد؛ چه بسا در موارد مذکور دیده شد که دادگاه اروپایی حقوق بشر، دولت را به دلیل فقدان قانون نقض حقوق شهروندان در حریم خصوصی محکوم کرد.

حق بر فراموش شدن و هویت آن لاین

«حق بر فراموش شدن»^۱ از جمله حقوقی است که در پوشش حق بر هویت آن لاین، این امکان را برای کاربر فراهم می‌آورد تا از آنچه با عناصر هویتی خود در «رسانه‌های اینترنت پایه/ رسانه‌های اجتماعی»^۲ نام برده، پاک کند. این حق به طور مشخص در برابر حق بر یادآوری^۳ و بیان آزادانه^۴ قرار دارد؛ این موضوع در نگرش نظریه‌ای خود با مخالفان و موافقانی همراه بوده است. «فراتر از این، طرح حق بر فراموش شدن، می‌تواند به طور مستقیم به عنوان یک حق برآمده از حق بر هویت آن لاین دیده شود- که حق بر هویت آن لاین را حمایت و نظارت کرده و در برگیرنده حقوقی است که با اطلاعات مرتبط با هویت آن لاین پیوستگی دارد» (European Court of Justice, 2014: online)^۵.

1. Right to be forgotten می‌شود سوابق جستجو در اینترنت گفته می‌شود
2. Internet based media/ social media
3. Right to remember
4. Right to freedom of expression

۵. از دیوان دادگستری اروپا (۲۰۱۴) به نشانی زیر بازیابی شده است:
<http://www.sidley.com/European-Court-of-Justice-Finds-Right-to-be-Forgotten-and-Compels-Google-to-Remove-Links-to-Lawful-Information-05-19-2014/>

یک دادگاه عالی اروپا در لوکزامبورگ در ۱۳ مه ۲۰۱۴ تصمیم خود را راجع به یک دعوی حقوقی با موتور جستجوی گوگل اعلام کرد و رأی داد که شهروندان اروپایی «حق فراموش شدن» دارند: «بر اساس این رأی گوگل و دیگر موتورهای جستجو باید بعضی از داده‌های ذخیره شده در بانک‌های اطلاعاتی‌شان که این دادگاه آنها را «نامربوط»، «ناقص» یا «کهنه شده» نامیدند، از موتورهای جستجو پاک کنند. تصمیمی که گوگل آن را مایوس‌کننده خواند و بیان داشت که برای تجزیه و تحلیل موضوع نیاز به زمان دارد. این تصمیم به دنبال شکایت ماریو کوستخا گونزالس، یک شهروند اسپانیایی صورت گرفت که خانه‌اش شانزده سال پیش به دلیل ورشکستگی در یک روزنامه حراج شده بود. اطلاعات این روزنامه بعدها به اینترنت منتقل شده و نام این فرد در موتور جستجوی گوگل همچنان در ارتباط با حراج خانه‌اش ظاهر می‌شد. آقای گونزالس شکایت کرده بود که موضوع ورشکستگی او تمام شده، وجود نام او در این ارتباط تعدی به حریم خصوصی اوست و او نمی‌خواهد این اطلاعات در اینترنت بماند. بعد از شکایت به یک مرجع اسپانیایی در سال ۲۰۱۰، دادگاه به نفع آقای گونزالس رأی داد، ولی گوگل علیه این رأی به دادگاه عالی اسپانیا شکایت کرد و این دادگاه موضوع را به دادگاه عالی اروپا ارجاع داد.

موتورهای جستجو که بخشی از درآمد خود را از طریق آگهی و یافتن مشتری برای شرکت‌های تجاری به دست می‌آورند، مدت‌هاست جستجو و حرکت کاربران در اینترنت را ثبت می‌کنند و بر اساس این یافته‌ها آگهی‌های تجاری را بر صفحات مورد بازدید کاربر قرار می‌دهند. حالا به دنبال رأی دادگاه عالی اروپا در لوکزامبورگ، ثبت و نگهداری اطلاعات کاربران اینترنتی حداقل در اروپا تنها بر اساس قوانین ممکن خواهد بود. دادگاه که مسئله «حق فراموش شدن» را مورد بررسی قرار داده بود در پایان حکمی صادر کرد که تحت شرایطی این حق برای شهروندان محفوظ است. موتورهای جستجو موظفانند به خواسته افراد حقوقی برای حذف نام آنها از نتایج جستجو عمل کنند، حتی اگر این نام و اطلاعات در جای دیگری وجود داشته باشد. با این رأی، «حق فراموش شدن»، در کنار حقوق دیگری که شهروندان اروپایی بر اساس منشور حقوق بشر اروپا از آن بهره‌مند شده‌اند، به یک حق بنیادی تبدیل شده است (عطاری، ۱۳۹۳: آن لاین).

این رأی دادگاه که بعد از ۴ سال دعوی حقوقی با گوگل اعلام شد، به‌جز دو

طرف دعوا موافقان و مخالفان خود را دارد. در حالی که گوگل حذف اطلاعات را نوعی سانسور نامیده و گفته بود اطلاعات موجود را کنترل نمی‌کند و تنها به ارائه آزادانه آنها در اینترنت بسنده خواهد کرد، وی‌ویان ری‌دینگ، کمیسر قضائی اتحادیه اروپا، در فیس‌بوک خود حکم دادگاه لوکزامبورگ را پیروزی واضح برای حفاظت از اطلاعات فردی اروپایی‌ها نامیده است. به نظر می‌رسد با تسهیل انتشار اطلاعات اینترنت براساس «حق فراموش شدن»، فصل جدیدی در قانون‌گذاران اروپایی و حامیان حقوق بشر ایجاد شود که برای مدتی آنها را به خود مشغول خواهد کرد.

پل برنال^۱ یک روز پس از صدور حکم دادگاه اسپانیا، در مورد گوگل نقدی را نوشت که در آن به بیان پیامدهای ناشی از این دردسر تازه برای گوگل پرداخته بود که هزینه‌های هنگفت مالی برای او خواهد داشت و اینکه این امر می‌تواند گشاینده بحثی نو در رابطه با روند این پرونده‌ها، بدون نیاز به صدور حکمی خاص دانسته باشد. همان گونه که پیش‌بینی می‌شد، گوگل تقاضاهای بسیاری بالغ بر ۴۰ هزار درخواست را در ۴ ساعت نخست پس از صدور حکم دریافت کرد. در این باره به نظر می‌رسد پاسخ‌های گوگل حاوی بر سه بخش است: نخست «حذف نتایج جست‌وجو» که در این زمینه باید به یاد داشته باشیم که تنها نتایج جست‌وجویی حذف می‌شود که برای نامی خاص صورت گرفته و نه منبع آن جست‌وجو یا نتایج جست‌وجو برای آن منبع هنگامی که از طریقی دیگر مورد جست و جو قرار می‌گیرد. دوم آنکه نتایج جست‌وجو برای افرادی ممکن است که از نسخه اروپایی سایت گوگل استفاده می‌کنند. در حال حاضر این پیام در انتهای هر جست‌وجو دیده می‌شود: «برخی نتایج ممکن است بر اساس قانون حمایت از اطلاعات در اروپا از لیست نتایج حذف شده باشد». برای کنجکاوی بیشتر، کاربر این شانس را دارد که به بخش *learn more* در قسمت محرمانه شرکت گوگل مراجعه کند؛ با این حال این هشدار به آن مفهوم نیست که کلیه نتایج جست‌وجو حذف شده است، بلکه این نتایج در صورتی که عبارت جست‌وجو برای نام آن فرد حاوی تصاویر عمومی نباشد، در صفحه ظاهر خواهد شد. سوم «واکنشی است که به غم‌بارترین نتایج منتهی می‌شود»؛ اگر آدرس یک مقاله به عنوان نتیجه درخواست جست‌وجو مسدود باشد، پیغامی به ناشر آن مقاله ارسال

1. Paul Bernal

۲. به عنوان مثال، حذف نتایج برای کسانی که از آدرس google.co.uk به جای google.com استفاده می‌کنند.

خواهد شد. زمانی که روزنامه‌نگاران چنین پیغامی را دریافت کنند بسیار طبیعی خواهد بود که دچار نوعی سرخوردگی شوند (Bernal, 2014: online).
دو مثال عمده در این رابطه را می‌توان پرونده^۱ مربوط به جیمز بال^۱ در نشریه^۲ گاردین و نیز پرونده^۳ رابرت پستن^۲ برای بی.بی.سی دانست. هر دو در رابطه با این پرونده‌ها تجارب خاص خود را مطرح می‌کنند. پستن می‌نویسد: «چرا گوگل مرا به فراموشی سپرده است؟» در هر دوی این پرونده‌ها نشانه‌هایی حاکی از عدم تمایل آنان نسبت به حکم صادره در دادگاه اسپانیا به چشم می‌خورد. این تمایل نداشتن دقیقاً همان چیزی است که اعتراضات نسبت به «حق بر فراموش شدن» را تشدید می‌کند: سانسور و بازنویسی تاریخ.

از همین رو پستن، به طور کامل راجع به این امر قانع نمی‌شود. در نتیجه عنوان انتخابی وی مبنی بر این که گوگل وی را به فراموشی سپرده، آن چیزی نیست که مد نظر حکم دادگاه اروپایی است. به نظر می‌رسد تبعیت گوگل از حکم دادگاه امکان‌پذیر است و تمامی سه قسمت از پاسخ آنان به درخواست‌های کاربران می‌تواند از همین منظر مورد بررسی قرار گیرد. نخست آنکه به نظر می‌رسد سایت گوگل از منظر افرادی که انتظار مسدود شدن برخی رکوردها را دارند، دچار اشتباه شده و در نتیجه به سانسور هر چه بیشتر -خواستہ یا ناخواستہ- اقدام کرده است. نکته^۴ دوم اینکه، با آگاهی دادن نسبت به بازیابی نتایج هر چه بیشتر که می‌تواند تحت تاثیر حکم دادگاه اسپانیا باشد، فضایی از سوی گوگل به وجود آورده که افراد به نوعی احساس اعمال سانسور می‌کنند. نکته^۵ سوم و پایانی آن است که با پیغام‌هایی که از سوی گوگل به روزنامه‌نگاران ارسال می‌شود، در واقع نوعی سانسور برای روزنامه‌نگاران اعمال می‌شود. تلفیق این سه مورد می‌تواند عاملی متقن از عملکرد صورت گرفته از جانب گوگل باشد. برنال در جمع‌بندی مطلب خود می‌نویسد: «اینکه گوگل چگونه طی هفته‌ها و ماه‌های اخیر به این درخواست‌ها پاسخ داده و اینکه آیا گوگل واقعا می‌خواهد راه حلی برای این موضوع بیابد یا نه، مطلبی است که پاسخ به آن مستلزم گذشت زمان است. کلیت این امر نشان‌دهنده^۶ قدرت عظیمی است که گوگل تا کنون اعمال کرده است. به همین دلیل در نهایت این گوگل است که سانسور را دامن زده، نه حکم دادگاه».

(Bernal, 2014: online).

1. James Ball

2. Robert Peston

گوگل تا کنون، در پیوند با حمایت از حق مؤلف و در ارتباط با مباحثی چون محتواهای غیر قانونی، هرچند بدون چنین هیاهوهایی، کارهای مشابهی هم انجام داده است. با این حال، کارمندان این شرکت در پاره‌ای اوقات به عنوان سانسورچی، یا به عنوان کسانی که مشخص می‌کنند دیگران چه ببینند و بخوانند، عمل می‌کنند. مهم‌ترین کاری که گوگل می‌تواند در واکنش به حکم دادگاه انجام دهد آن است که به صورت فعال و با نگرشی مثبت در فرآیند جاری اصلاحی مربوط به حمایت از اطلاعات، مشارکت جوید.

موضوعی که به نظر می‌رسد کماکان به عنوان یک دغدغه از سوی مخافان قابل طرح باشد، این است که اطلاعات ناقص و نامربوط یا کهنه شده چه تفسیری را در بر خواهد داشت تا به واسطه آن بتوان حریم خصوصی و حق بر هویت آن‌لاین افراد را در برخورداری از حق بر فراموش شدن تفسیر کرد؛ موضوعی که گاه، خود می‌تواند بر «حق داشتن اطلاعات» و «آزادی اطلاعات» خدشه وارد کند. بنابراین حق بر فراموش شدن، اگرچه به عنوان یک حق نوظهور قابل تکریم خواهد بود، اما لزوم گنجاندن آن در قلمرو حقوق بنیادین، نیازمند تبیین اصول و استثنای آن خواهد بود؛ به ویژه زمانی که این حق در تلاقی حقوق بنیادین دیگری هم چون «حق بر آزادی بیان» و «حق دسترسی به اطلاعات» قرار گیرد.

بحث و نتیجه‌گیری

«حق بر هویت» به مثابه یک حق اساسی و بنیادین تلقی شده که دادگاه اروپایی حقوق بشر در رویه قضایی خود، آن را در تفسیر ماده ۸ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر قرار داده و از آن با عنوان حریم خصوصی افراد در زندگی یاد کرده است. این کنوانسیون، هویت را در برگیرنده جنبه‌های جسمانی و اجتماعی افراد می‌داند که شامل خود مختاری، توسعه و ایجاد و گسترش روابط انسانی و جهانی است.^۱ همچنین، به همین دلیل فراگیر شدن حوزه‌های ارتباطی جدید و به ویژه رسانه‌های اجتماعی، در این مقاله نحوه بیان و بروز هویت در حوزه ارتباطات آن‌لاین از منظر رویکردهای حقوق بشری مورد توجه قرار گرفت.

از آنجا که درک و بیان «خود» در این فضا، متفاوت از فضای واقعی است، در

1. In Tysiac v Poland (Application no. 5410/03 Judgment 20 March 2007)

تبیین هویت در فضای ارتباطی جدید از دو مفهوم هویت آن‌لاین و هویت آفلاین استفاده می‌شود. با بیان هویت آفلاین و تبیین مؤلفه‌های آن، می‌توان نتیجه گرفت که در حقیقت نمود هویت واقعی اشخاص است. این همان هویتی است که افراد در جهان واقعی اظهار می‌دارند و از طریق آن به شکل‌دهی ارتباطات رو در رو می‌پردازند و جنبه‌های خودسانسوری نیز در آن کمتر است. از این رو، پیوندهای فضای آفلاین، عموماً پیوندهایی عمیق‌تر و عاطفی‌تری خواهد بود؛ چرا که امکان درگیری تمامی حواس انسانی در آن وجود دارد.

در خصوص «حق بر هویت در فضای آن‌لاین»، باید در نظر داشت که این حق، واجد سه عنصر اساسی «حق بر خلق یا ایجاد هویت آن‌لاین»، «حق بر اظهار هویت آن‌لاین» و «حق بر حفاظت از هویت آن‌لاین» است. در بیان هویت آن‌لاین باید به این نکته اشاره کرد که «هویت آن‌لاین» را باید به عنوان موضوعی پیچیده‌تر از تصدیق ارتباط میان فعالیت آن‌لاین با کاربر حقیقی در نظر گرفت. هویت‌های آن‌لاین واجد پیچیدگی، چند وجهی بودن و توسعه یافتگی تلقی می‌شوند، که از این لحاظ با هویت‌های دنیای واقعی وجوه تشابه و البته تمایزات اساسی دارند.

بنابراین به تعبیر «پُل برنال» برای درک چگونگی برخورداری هویت آن‌لاین از منظر حقوقی، باید ابعاد پیچیدگی و همه‌تمایزات و تشابهات آن به حساب آورده شود (Bernal, 2012: online). اگر هویت آن‌لاین امروزه به عنوان یک عنصر اساسی در زندگی مطرح شده، ساخت کامل آن برای هر فرد، نیازمند ابزار هویت آن‌لاین، زمان‌ها و مکان‌های بسیاری است که در ابزار و اظهار هویت آن‌لاین و آفلاین الزام‌آوار است. از این‌روست که صرف ساخت یک یا چند هویت آن‌لاین، به معنای آزادی ابزار هویت آن‌لاین نیست. در حوزه حق بر هویت آن‌لاین، دو موضوع ارتباطی قابل توجه با مبحث هویت آن‌لاین موجودیت پیدا می‌کند: «حق بر حریم خصوصی» و «حق بر فراموش شدن». شاید بتوان یکی از دلایل عمده در توجیه خلا پرداختن به «حق بر هویت» را در مقایسه با سایر حقوق بیان شده در اسناد و کنوانسیون‌های حقوق بشری، هم‌پوشانی عناصر مؤثر در تبیین «حق بر هویت» و «حق بر حریم خصوصی» دانست. در تبیین حق بر حریم خصوصی، حریم خصوصی تنها یک مکان مادی و جغرافیایی هم چون خانه در نظر گرفته نمی‌شود، بلکه حفاظت از رمز کاربری (پسورد) «گوشی‌های هوشمند»، «ایمیل‌های شخصی» و «پروفایل رسانه‌های اجتماعی»، اهمیتی به مراتب

فراتر از انحصار هویت در یک قالب جغرافیایی مشخص دارد. این اهمیت، تا جایی است که دادگاه اروپایی حقوق بشر جز در موارد استثنایی به دولت‌ها و ارائه دهندگان خدمات آن لاین حفظ و حراست از آن را تأکید می‌کند. این موارد استثناء نیز نمی‌تواند آن چنان بسیط تفسیر شود که حق بنیادین افراد را نادیده گیرد. در موارد مذکور دیده شد که دادگاه اروپایی حقوق بشر، دولت را به دلیل فقدان قانون برای حفظ حق بر حریم خصوصی شهروند خود، محکوم کند.

«حق بر فراموش شدن» نیز، از جمله دیگر حقوقی است که در همسویی با حق بر هویت آن لاین این امکان را برای کاربران فراهم می‌آورد تا بخشی از آنچه را به عنوان عناصر هویتی در فضای مجازی اینترنت منتشر شده داشته، پاک کنند. این حق، به طور مشخص در برابر «حق بر یادآوری» و «بیان آزادانه» بروز می‌یابد؛ حقی که در نگرش نظری خود، با مخالفان و موافقانی همراه بوده است. فراتر از این، طرح حق بر فراموش شدن، می‌تواند به طور مستقیم به عنوان یک حق برآمده از حق بر هویت آن لاین دیده شود، که حق بر هویت آن لاین را حمایت و نظارت کرده و در برگیرنده حقوقی است که با اطلاعات مرتبط با هویت آن لاین پیوستگی دارد. آنچه به نظر می‌رسد کماکان به عنوان یک دغدغه از سوی مخالفان به رسمیت شناخته شدن این حق مطرح شود، آن است که اطلاعات ناقص و نامربوط یا کهنه شده در تبیین این حق، چه تفسیری را دنبال می‌کند تا به واسطه آن بتوان حریم خصوصی و حق بر هویت آن لاین افراد را در برخورداری از حق بر فراموش شدن توصیف کرد؛ موضوعی که گاه، خود می‌تواند به حق بر داشتن اطلاعات و آزادی اطلاعات افراد خدشه وارد سازد. بنابراین حق بر فراموش شدن اگرچه به عنوان یک حق نوظهور قابل تکریم خواهد بود، اما لزوم گنجاندن آن در قلمرو حقوق بنیادین نیازمند تبیین اصول و استثنایایی خواهد بود؛ به ویژه زمانی که این حق در تلاقی حقوق بنیادین دیگری هم چون حق بر آزادی بیان و حق دسترسی به اطلاعات قرار گیرد.

پاسخ به پرسش دیگر این مقاله، که ملزومات و سازوکارهای اعمال حق بر هویت در رسانه‌های اجتماعی را مورد توجه قرار می‌داد، کماکان در خلا حقوقی موجود در تبیین «حق بر هویت در ارتباطات آن لاین» مستور و نهفته باقی مانده است. با این حال، می‌توان با در نظر گرفتن اقدامات جدیدی که از سوی کنشگران فعال و نهادهای حقوقی در به رسمیت شناختن این حق، صورت پذیرفته، این امید را داشت که به

زودی کاربران در فضای رسانه‌های اجتماعی، این حق را قابل اجرا و ضمانت ببینند. نمونه‌های اولیه‌ای از این تلاش‌ها در ایران، در متن پروفایل برخی از کاربران پر طرفدار ایرانی اینستاگرام نظیر «بهنوش بختیاری» مشاهده می‌شود که خود را به عنوان سفیر ترنس‌ها معرفی کرده است (بصیریان جهرمی و نحوی، ۱۳۹۵: ۱۶). افزون بر آنچه گفته شد، هم‌پوشانی این حق با سایر حقوق به رسمیت شناخته شده در اسناد حقوق بشری و تعمیم آن به فضای ارتباطات آن لاین در عصر حاضر، از گام‌های مثبت در این زمینه است، اگرچه مناسبات حاکم بر رسانه‌های اجتماعی، وضوح و روشنی بیشتری را در تبیین این حق می‌طلبد.

منابع

- بصیریان جهرمی، بهنوش (۱۳۹۳). **حق بر هویت در فضای رسانه‌های اجتماعی اینترنتی با تکیه بر شبکه‌های اجتماعی**، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق بشر، دانشکده حقوق، دانشگاه شهید بهشتی.
- بصیریان جهرمی، حسین؛ نحوی نظام‌آبادی، مرضیه (۱۳۹۵). «**نشانه‌شناسی عناصر بازنمایی هویت آن لاین: مطالعه کاربران پرطرفدار ایرانی در اینستاگرام**». فصلنامه رسانه، شماره ۱۰۵، ۲۷ (۴): ۲۸-۵.
- بلامی، ریچارد (۱۳۸۴). «**شکل سیاسی قانون اساسی: تفکیک قوا، حقوق فردی و دموکراسی نماینده سالار پروفیسور ریچارد بلامی**». ترجمه محسن حسن‌وند. فصلنامه حقوق اساسی، (۴)، ۱۱۶-۸۷.
- جنکینز، ریچارد (۱۳۹۱). **هویت اجتماعی**. ترجمه تورج یاراحمدی، تهران: نشر شیرازه.
- چیت ساز قمی، محمد جواد (۱۳۸۳). «**هویت دینی جوانان در ایران، کتاب مبانی نظری هویت و بحران هویت**» (مجموعه مقالات)، تهران: پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی جهاد دانشگاهی.
- دوران، بهزاد؛ محسنی، منوچهر (۱۳۸۳). **هویت، رویکردها و نظریه‌ها**. به اهتمام علی اکبر علیخانی. تهران: پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی.
- ساروخانی، باقر؛ رفعت جاه، مریم (۱۳۸۳). «**زنان و باز تعریف هویت اجتماعی**». مجله جامعه‌شناسی ایران، ۵ (۲)، ۱۶۰-۱۳۳.
- عطار، علی (۱۳۹۳). «**گوگل، اینترنت و دغدغه حقوق بشر دیجیتال**». بازیابی شده ۲۴ مهر ۱۳۹۴ از:

http://www.bbc.co.uk/persian/world/2014/05/140513_u04_google_legal.shtml

- عمید، حسن (۱۳۷۸). فرهنگ عمید (چاپ یازدهم). تهران: امیرکبیر.
- کاستلز، مانوئل (۱۳۹۳). قدرت ارتباطات. ترجمه حسین بصیریان جهرمی. تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.
- کچوئیان، حسین (۱۳۸۴). تطورات گفتمان‌های هویت ایرانی، تهران: نی.
- گل‌محمدی، احمد (۱۳۸۱). هویت ملی و جهانی شدن. تهران: نشر نی.
- گیدنز، آنتونی ۱۳۸۶، جامعه‌شناسی. ترجمه حسن چاوشیان، تهران: نشر نی.
- معظم پور، اسماعیل (۱۳۸۰). «هویت فرهنگی در عصر رضا شاه». نامه پژوهش فرهنگی، شماره ۲۲ و ۲۳، ۵۲-۳۳.
- مک‌کینن، ربکا (۱۳۹۲). «مبارزه جهانی برای آزادی اینترنتی». ترجمه داریوش محمدپور. بازیابی شده ۲ دی ۱۳۹۵ از:

https://tavaana.org/sites/default/files/Consent%20of%20the%20Networked_0.pdf

- میرساردو، طاهره، کاوسی، اسماعیل، ابراهیم‌زاده، رمضان (۱۳۸۷). «بررسی عوامل اجتماعی فرهنگی مؤثر بر بحران هویت جوانان». پژوهش‌نامه علوم اجتماعی، ۲ (۱)، ۱۰۰-۷۷.

- Bernal, Paul (2012). "The Right to Online Identity". Retrieved March 6, 2017 from:

http://papers.ssrn.com/sol3/papers.cfm?abstract_id=2143138

- Bernal, Paul (2014). Is Google undermining the 'right to be forgotten'?. Retrieved Oct 11, 2016 from:

<http://edition.cnn.com/2014/07/07/opinion/bernal-google-undermining-privacy-ruling/>

- European Court of Justice (2014). 'Right to be Forgotten' and Compels Google to Remove Links to Lawful Information". Retrieved March 29, 2017 from:

<http://www.sidley.com/European-Court-of-Justice-Finds-Right-to-be-Forgotten-and-Compels-Google-to-Remove-Links-to-Lawful-Information-05-19-2014/>

- Hongladarom, Soraj (2011). "Personal Identity and the Self in the Online and Offline World". *Minds & Machines*. 21 (4): 533- 548.

- Humanium.org (2017). "The right to identity: Understanding Children's Right to Identity". Retrieved May 22, 2017 from:

<http://www.humanium.org/en/fundamental-rights/identity>

-
- Kendall, Lori (1998). Meaning and Identity in “Cyberspace”: The Performance of Gender, Class, and Race Online. *Symbolic Interaction*, 21 (2): 129-153.
 - Kim, Hee-Woong; Zheng, Jun Reymond and Gupta, Sumeet (2011). Examining Knowledge Contribution from the perspective of an Online Identity in Blogging Communities. *Computers in Human Behavior*. 27: 1760-1770.
 - RT.com (2014). “Facebook now allows unlimited custom identities”. Retrieved Jan 15, 2017, from:
<https://www.rt.com/usa/236283-facebook-gender-custom-choice/>
 - Slater, Don (2011). “Social Relationships and Identity Online and Offline”. Retrieved Jan 12, 2017 from:
<http://www.dourish.com/classes/readings/Slater-SocialRelationshipsIdentity.pdf>
 - Taylor, Jami K. & Haider-Markel, Donald P. (2014). *Transgender Rights and Politics: Groups*, Issue Framing, and Policy Adoption. US: University of Michigan.
 - Unicef.org (2007). Public Policy Issues. Retrieved May, 27, 2017 from:
http://www.unicef.org/lac/Registro_de_nacimiento_e_inf_eng.pdf
 - Viola, Francesco (1995). “Personal identity in the human rights perspective”. Retrieved Feb, 15, 2017 from:
http://www.unipa.it/viola/Personal_Identity.pdf
 - Wittkower, D.E. (2014). “Facebook and Dramauthentic Identity: A Post-Goffmanian of Identity Performance on SNS”. Retrieved Feb 2, 2017 from:
<http://firstmonday.org/article/view/4858/3875>